

دوب استخات اشک نیازی زانکه از حضرت ایدی و دید  
و از تشنگی آمد لب جان **نرخمن که هست لب حیوان** **بعضی**  
پاک من دخی در ز شار جوانا و لب بن قده العبر من لبه غم چون  
آب حرامه اودا بنک و اما مشدرا که صورت مدعی معارن اذن  
پدر او کوسم چاشنی کبر با لوده سکر اوده وصال اولفقدان **فخر بنویس**  
ترا که مندرج است ای تقدیر حضرت پروردگار اید اول کعبه  
آمنه حال سرتوت اولدی ترور دیگر عبده یوسف جان خاطر **نرخمن**  
طلعت راست کلوب دخی **نرخمن** جام لهر زوصال میسرید که قاطع  
نظر انداز جمال عبده اولوب تشش من سوز صبر و محنتی اولان نو کبریا  
از تو کوسوب خاطر نشانی اولان حسن طاعت کدازی برقرار است اولی  
عبده تقدیر حواله در باشن **سغفای** ای پری دون کوز بر  
نی پیمان اولدک **قنی** آشفته دلک در دیر در مان اولدک محمد است  
عصا بر یا نشیندن قنی ناز پروردگ صید و شاع وصالی اولدک در  
خاطر عبده کعبه سلسله کج کور کار با دمای و اونی علم اولفقدان **فخر بنویس**  
خایا منروی کوشته نوکاهی اولدک **نرخمن** علم تا بر **نرخمن** دلکدر **بعضی**

کلیه کتب در دسترس است

بعضی

بعضی

بعضی روایتده امر و فاطمه شامه در بعضی قول اوزره ظاهر و در قریب  
نرخمن اولان وقت که یک برای شاقی در و بعضی لای بعد و بر دخی  
نسبت استند در تور و ایات مختلفه تو فقیده بودله شد شبر از بعضی  
استند در که جمع نسلون قریش کنین جزید استماع عبد الله بن مسعود  
اولی انور دن بر قمت از عاشق کدازه و لاله به مهر روزگار بود روزن **نرخمن**  
فروش اولی مکنده بآبرین دواة ستوده صفاتک هر بر کاسیده  
سامهین نقل امین اولور و الله کلم تاریخ نویسان کت با دو کار اولد  
زمان وفات عبده کداده اختلاف استند در عقیده طائفه بود جواز در  
که عبده اختراکیزه کهر نبوت طلوعدن ایکی ایسکه سوار شایع  
ترا ب اوله واقعت در زمره افوی بودر که افتاب جهاناب رسالت  
عالم شهوده مطوع شدن مقدم عقده ذوال انقلا در و تشش اولدک  
بود نقل ایدر که نقل ای سمای وجود غیر البشر هفت با ایکن دو خط قامت  
عبده بر کنده سیلاب فضا اولش اوله تابت جنازه عبده طایفه طایفه ده  
داران ایدر یکله هرف اوله سزای دلار اظهده منده مد فخر **نرخمن**  
غزوی انداز سال ایدر کبری پیش کد که **نرخمن** **نرخمن**

بعضی

بعضی

بعضی